

ادراک از جهت‌گیری آینده در دانشجویان پزشکی با توجه به سبک‌های فرزندپروری والدین و سبک‌های هویت فرزندان

منصوره ربانی‌زاده*: کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده: آینده برای جوانان نیز یکی از دغدغه‌های مهم فکری است که با اهداف، امیدها و ترس‌های آن‌ها آمیخته است. امروزه با صنعتی شدن جوامع، آینده‌ی جوان از لحاظ شغلی و ازدواج به‌تعمیق افتاده است. هدف مطالعه‌ی حاضر، بررسی اثر غیر مستقیم ادراک از سبک‌های فرزندپروری مادر و پدر بر جهت‌گیری آینده‌ی دانشجویان پزشکی با واسطه‌گری متغیر سبک‌های هویت بود. پژوهش حاضر از نوع طرح‌های علی و هدف از آن، کشف روابط علی ممکن بین متغیرها است. بدین منظور، ۳۸۶ نفر (۲۰۰ مرد و ۱۸۶ زن) از دانشجویان سال پنجم، ششم و هفتم دانشگاه علوم پزشکی ایران به‌طور تصادفی انتخاب شدند و به سه پرسش‌نامه‌ی سبک‌های هویت برزونسکی، سیاهه‌ی مسیر زندگی آینده و سیاهه‌ی مادر پدر پاسخ دادند. برای آزمون مدل‌ها و فرضیه‌های پژوهش و تعیین روابط علی بین متغیرها از روش تحلیل مسیر استفاده با استفاده از نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است. تحلیل آماری داده‌ها نشان داد که نقش واسطه‌ای سبک هویت اطلاعاتی بین خودمختاری مادر و پذیرش پدر بر جهت‌گیری رفتاری (۰/۲۷، ۰/۲۵)، شناختی (۰/۲۱، ۰/۱۰) و انگیزشی (۰/۳۶، ۰/۳۲) معنادار است. نتایج پژوهش نشان داد از میان ادراکات از سبک‌های فرزندپروری تنها ادراک از سبک‌های مادر (خودمختاری و پذیرش) می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی سبک هویت (اطلاعاتی) و مؤلفه‌ی رفتاری جهت‌گیری آینده باشد. این دو بعد، با سبک هویت اطلاعاتی، رابطه‌ی معنادار دارند. به‌عبارت دیگر، جوانانی که مادران آنان از سبک فرزندپروری خودمختاری بیشتر و پذیرش کمتر استفاده می‌کنند، بیشتر از سبک هویت اطلاعاتی استفاده می‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت مشارکت جوان در تصمیم‌گیری، او را به جستجوگری برای یافتن گزینه‌های مناسب هدایت می‌کند.

واژگان کلیدی: جهت‌گیری آینده، سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های هویت، دانشجویان علوم پزشکی.

*نویسنده‌ی مسؤول: کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(Email: rabbani.m1983@yahoo.com)

مقدمه

ورود به دانشگاه علوم پزشکی، تغییر عمده‌ای در زندگی اجتماعی، خانوادگی و فردی دانشجویان به‌وجود می‌آورد و مقطعی بسیار حساس به‌شمار می‌رود. در این دوره، فرد با تغییرات زیادی در روابط اجتماعی و انسانی روبه‌رو می‌شود. در کنار این تغییرات باید به انتظارات و نقش‌های جدیدی اشاره نمود که هم‌زمان با ورود به دانشگاه شکل می‌گیرد. قرار گرفتن در چنین شرایطی غالباً با فشار و نگرانی توأم بوده، عملکرد و بازدهی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آشنا نبودن بسیاری از دانشجویان با محیط دانشگاه در بدو ورود، جدایی و دوری از خانواده، عدم علاقه به رشته‌ی قبولی، طولانی بودن زمان تحصیل در رشته‌ی پزشکی، مهیا نبودن فرصت‌های شغلی، ناسازگاری با سایر افراد در محیط زندگی و کافی نبودن امکانات رفاهی و اقتصادی از جمله شرایطی هستند که می‌توانند موجبات مشکلات و ناراحتی‌های روانی (لپسلی، ۱۹۸۹؛ نقل از حسینی و موسوی، ۱۳۸۳)، افت عملکرد و جهت‌گیری منفی از آینده را موجب شوند. تفکر در مورد آینده و رفتار کردن در جهت آن، یکی از ویژگی‌های ذهن انسان است (درهر و آرتر، ۱۹۸۶). جهت‌گیری آینده (Future Orientation) به‌عنوان رایج‌ترین مفهوم برای توصیف تفکر و رفتار افراد در مورد آینده به‌تصاویر ذهنی افراد اطلاق می‌شود که به‌صورت امیدها و ترس‌ها بیان می‌گردد (نوتین و لنز، ۱۹۸۵). جهت‌گیری آینده به ساخت ذهنی فرد از آینده اشاره دارد و بستری را برای هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی، کاوش انتخاب‌ها و ایجاد تعهد فراهم می‌نماید. جهت‌گیری آینده با پیامدهای مثبت جوانی ارتباط دارد (نورمی، ۱۹۹۱)؛ در حالی که فقدان آن با بزهکاری همراه است (سگینر، ۲۰۰۰).

پژوهش در مورد جهت‌گیری آینده در مراحل اولیه‌ی خود بر بازنمایی شناختی حوزه‌های موضوعی چندگانه (Multiple Thematic Domains) متمرکز بود (نورمی، ۱۹۸۳؛ ترامسدرف، ۱۹۸۳). محدودیت رویکردی که فقط شامل بازنمایی شناختی به آینده است منجر به گسترش دو ساختار گسترده‌تر جهت‌گیری آینده شد که هر یک از آن‌ها دارای چند مؤلفه است. اولین ساختار دربرگیرندهٔ بافت اجتماعی (مثلاً رویدادهای هنجاری زندگی) و طرح‌واره‌ها (رشد فراخانی مورد انتظار) به‌عنوان عواملی است که ساخت جهت‌گیری آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دومین

ساختار بر فرایندهای بین فردی (Interpersonal) مربوط به انگیزش برای جهت‌گیری خود به آینده، بازنمایی شناختی آینده توسط تصاویر، افکار مربوط به هر یک از این حوزه‌ها، رفتارهای اکتشاف انتخاب‌های آینده و تعهد نسبت به آینده متمرکز است. چنین مفهوم‌سازی، عام (Generic) است؛ به این معنا که قابل کاربرد در حوزه‌های گوناگون زندگی آینده است (سگینر، ۲۰۰۰). بنابراین بر اساس ساختار دوم، مؤلفه‌های جهت‌گیری آینده عبارتند از: انگیزشی، شناختی و رفتاری.

مؤلفه‌ی انگیزشی: مفهوم‌سازی ویژگی‌های انگیزشی جهت‌گیری آینده به تحلیل‌های اولیه‌ی جهت‌گیری آینده باز می‌گردد: نیازهای شخصی (نوتین و لنز، ۱۹۸۵)، ارزش آینده (رینور و انتین، ۱۹۸۳)، ارزیابی درونی عوامل تلاش برای ارضای نیازهای شخصی (ترامسدرف، ۱۹۸۳)، و نظریه‌های جدید انتظار-ارزش (اکلز و ویگفیلد، ۲۰۰۲).

مؤلفه‌ی شناختی: مربوط به توصیف شخص از حوزه‌های جهت‌گیری آینده برحسب تصاویر ذهنی و افکار در آن حوزه است و هنوز مفروضه‌ی زیربنایی بیشتر پژوهش‌های جهت‌گیری آینده می‌باشد (نورمی، ۱۹۹۱). بر اساس این مفروضه، فراوانی تفکر درباره‌ی یک حوزه، برجستگی و مرکزیت آن حوزه را در بازنمایی زندگی آینده نشان می‌دهد.

مؤلفه‌ی رفتاری: دربرگیرنده‌ی کاوشگری برای انتخاب‌های آینده است (یعنی جمع‌آوری اطلاعات در مورد آینده، کاوش درباره‌ی تناسب آن‌ها).

در پژوهش نورمی (۱۹۸۳)، کاوشگری و تعهد هویت، خودکارآمدی (Self efficacy)، کنترل و مسؤولیت‌پذیری، پیش‌بینی‌کننده‌ی جهت‌گیری آینده بود. نورمی (۱۹۹۱) با مقایسه‌ی ۴۰ مطالعه در رابطه با جهت‌گیری آینده برحسب سن، کشور، نوع جامعه و محتوا که دارای سؤالات متنوعی بود، دریافت که علی‌رغم این تنوع، در اکثر موارد جهت‌گیری آینده‌ی تحصیلی و شغلی با سن افزایش می‌یابد. برخی مطالعات نشان دادند که پسران در زمینه‌ی شغلی جهت‌گیری آینده‌ی قوی‌تری دارند، ولی تعدادی از مطالعات، تفاوت جهت‌گیری آینده‌ی تحصیلی و شغلی را برحسب جنس گزارش نکردند (سگینر، ۲۰۰۰). در فرهنگ‌های برابرخواه (Egalitarian) تفاوت جنسیتی در جهت‌گیری آینده وجود ندارد، اما مطالعاتی مربوط به جوانان آمریکایی-آفریقایی‌تبار نشان می‌دهد که دختران بیشتر از پسران معتقدند که تحصیلات برای آینده اهمیت دارد.

دارد، بلکه شامل راهبردهای پردازشی یا ساختارهای عملیاتی است که کوشش‌های فرد را برای تطابق و مواجهه با زندگی روزانه جهت می‌دهد. به اعتقاد برزونسکی (۱۹۹۰؛ نقل از موشمن، ۱۹۹۸)، افراد بر اساس شیوه‌های متفاوتی به نظریه‌پردازی درباره‌ی خود می‌پردازند؛ یعنی در چگونگی پردازش و مواجهه با اطلاعات، تصمیمات و تعارضات مرتبط با هویت با یکدیگر دارند. وی معتقد به سه سبک نظریه‌پردازی اطلاعاتی (Informational)، هنجاری (Normative) و مغشوش-اجتنابی (Diffus-Avoidnt) است. از آنجا که اساس ارتباط خود با جهت‌گیری آینده ماهیت زمانی (Temporality) دارد و بازنمایی گذشته، حال و آینده به‌وسیله‌ی خود است (لنز، ۲۰۰۶؛ نوتین، ۱۹۸۴؛ نوتین و لنز، ۱۹۸۵؛ به نقل از سگینر، ۲۰۰۹) پژوهش درباره‌ی ارتباط خود با جهت‌گیری آینده دارای دو فرض اساسی است که یکی مربوط به نقش اساسی خود در سازماندهی اطلاعات ورودی و هدایت دامنه‌ی وسیعی از رفتارها است (هارتر، ۱۹۹۹) و دیگری مربوط به شواهدی است که نشان می‌دهد رفتار کودکان به موازات ورود به نوجوانی و جوانی توسط خود هدایت می‌شود؛ تا رفتار والدین (هیگینز، ۱۹۹۱). بنابراین با توجه به ارتباط هویت و خود با جهت‌گیری آینده می‌توان رابطه بین سبک‌های هویت و جهت‌گیری آینده را مورد پرسش قرار داد.

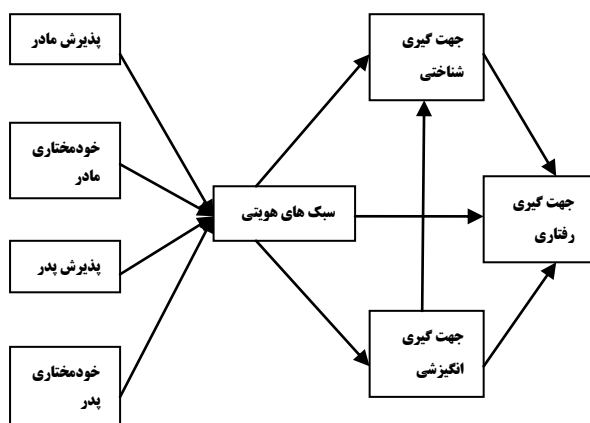
علاوه بر این، بررسی‌ها نشان می‌دهد که زمینه‌ی خانواده در تحول خود کودکان نقش بسزایی دارد. برخی از پژوهش‌ها رابطه میان وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده و متغیرهای جمعیت‌شناختی (تعداد فرزندان، ترتیب تولد، حضور یا عدم حضور هر دو والد) را با تحول کودکان نشان داده‌اند، اما پژوهش‌های اخیر بر بررسی تأثیر نگرش‌های والدین، روابط والدین با کودک و سبک‌های فرزندپروری (Parenting Style) در جنبه‌های مختلف تحول کودک تمرکز کرده‌اند (گرولنیک و ریان، ۱۹۸۹؛ استریچ و برنت، ۱۹۹۹). سبک فرزندپروری مجموعه‌ای از نگرش‌های والدین نسبت به کودک است که موجب ایجاد جو عاطفی می‌شود که در آن رفتارهای والدین بروز می‌کند. این رفتارها دربرگیرنده‌ی رفتارهای مشخص (رفتارهای هم‌جهت با هدف والدین (Goal Directed) است که از طریق آن والدین به وظایف خود عمل می‌کنند (رفتارهای فرزندپروری) و نیز شامل رفتارهای غیر مرتبط با هدف والدینی مانند تغییر در تن صدا یا بیان هیجان‌های غیر ارادی است.

به‌علاوه، دختران در جهت‌گیری شغلی رشد بیشتری داشتند (براون، ۱۹۹۷). یکی از عواملی که در ایجاد تفاوت در جهت‌گیری آینده نقش مهمی دارد، هویت است. مفهوم هویت شامل این باور فردی است که در آینده چه کسی خواهد شد (آدامز و مارشال، ۱۹۹۶؛ نقل از سگینر، ۲۰۰۹). به‌همین دلیل، با مفهوم جهت‌گیری آینده که نحوه‌ی نگاه به آینده را بر اساس اهداف، امیدها و انتظارات تعیین می‌کند، همخوانی زیادی دارد (نورمی، ۱۹۹۱). در مدل هویت مارسیا (۱۹۸۰)، چهار پایگاه هویت عبارت است از: موفق، زودرس، مهلت‌خواه و هویت مغشوش. علاوه بر این، تفاوت میان پایگاه‌ها توسط سه عامل محتوای هویت (شغلی، ایدئولوژی و جهت‌گیری)، میزان اکتشاف در این حوزه‌ها، و قدرت تعهد به تصمیم‌گیری‌های ویژه تعیین می‌شود (بوسما، ۲۰۰۱). بوسما (۲۰۰۱) و گرتوانت (۱۹۸۷) با بازنگری مدل مارسیا تأکید کردند که توضیح تحول هویت بر اساس سطوح اکتشاف و هویت در حوزه‌های مختلف هویت، بیش از اندازه‌گیری پایگاه‌های هویت اهمیت دارد. بر اساس این بازنگری سطوح اکتشاف و تعهد افراد در مطالعه‌ی نورمی، پول و سگینر (۱۹۹۵) در سه حوزه شامل تحصیلات، شغل و خانواده، که حوزه‌های مورد نظر در سازه‌ی جهت‌گیری آینده نیز هستند، مورد بررسی قرار گرفت (سگینر، ۲۰۰۹). در چارچوب نظری هویت، اکتشاف و تعهد شاخص‌های رفتاری، فرایندهای درون‌روانی تشکیل هویت به‌حساب می‌آیند و حضور یا عدم حضور ترکیبی آن‌ها ساختارهای هویت را مشخص می‌سازد (مارسیا، ۱۹۹۳). در مفهوم‌سازی جهت‌گیری آینده نیز اکتشاف و تعهد به‌طور جداگانه بررسی و درگیری فعالانه در هر یک از آن‌ها ظاهراً به توصیف و ادامه‌ی برنامه‌های حوزه-ویژه (Domain-Specific) منجر شده است. به‌هر حال، کارکردهای متفاوت اکتشاف و تعهد در جهت‌گیری آینده و شکل‌گیری هویت نشان‌دهنده‌ی ارتباط تحولی بین آن‌ها را تأیید می‌کند (مارسیا و واترمن، ۱۹۹۳).

برزونسکی (۲۰۰۳) با هدف تعیین پویایی درونی ساختارهای هویت، مفهوم هویت را به‌عنوان یک نظریه راجع به خویشتن ارائه داده و معتقد است افراد، نظریه‌پردازی هستند که در فرایند استدلال نظری مربوط به خود (Self) درگیرند. این نظریه، از اطلاعات و تجارب در مواجهه با زندگی روزانه، یک درک سازماندهی‌شده و منسجم فراهم می‌کند که نه تنها ریشه در رفتارهای قبلی

از مجموع مطالب بالا می‌توان به نقش واسطه‌ای هویت در رابطه بین ادراک از فرزندپروری و جهت‌گیری آینده پی‌برد. این رابطه در مطالعه‌ی سگینر، ورمولست و شویر (۲۰۰۴) بررسی و مشخص شده است که خودارزیابی (Self evaluation) در رابطه‌ی ادراک از فرزندپروری با جهت‌گیری آینده نقش واسطه‌ای دارد.

شکل ۱. نمودار مفهومی رابطه بین ادراک از سبک فرزندپروری با جهت‌گیری آینده بر اساس نقش واسطه‌ای سبک هویت



مبانی تجربی مدل بالا را می‌توان از پژوهش‌های متعددی به‌دست آورد. برای نمونه، مطالعه‌ی ترامسدرف (۱۹۸۳)، سگینر، (۲۰۰۹) درباره‌ی اثر رابطه والد-نوجوان بر جهت‌گیری آینده که با استفاده از نظریه‌ی یادگیری اجتماعی انجام شد، پیش‌بینی کرد که حمایت و تشویق والدین منجر به دو تمایل شخصیتی یعنی حس کنترل درونی و خوشبینی درباره‌ی پیامدهای رفتارهای شخص می‌شود که به دیدگاه‌های مثبت به آینده و اشتیاق به پیگیری اهداف می‌انجامد. بدین ترتیب، مشخص شد جوانانی که والدین خود را حمایت‌کننده و تشویق‌کننده ادراک می‌کنند خوش‌بینی بیشتری نسبت به آینده دارند و جهت‌گیری آینده را به‌صورت متمایزتری می‌سازند. مطالعاتی که در نوجوانان عرب‌زبان انجام شد نشان داد که سبک مقتدر (Authoritative) در مقایسه با دو سبک سهل‌گیر (Indulgent) و مستبد، تفکر جهت‌گیری‌شده به آینده را تا حد زیادی تسهیل می‌نماید. بنابراین اهمیت خودمختاری و پذیرش ادراک‌شده می‌تواند خوش‌بینی و حس خودکارآمدی در رابطه با آینده را در نوجوانان پیش‌بینی کند (ملزر، ۲۰۰۰).

در واقع، فرزندپروری فعالیتی پیچیده و در برگیرنده‌ی رفتارهای خاصی است که کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دارلینگ و استنبرگ، ۱۹۹۳؛ نقل از اسلمی، ۱۳۸۵). یکی از نظریه‌های عمده در زمینه‌ی سبک‌های فرزندپروری متعلق به اپستین (۱۹۸۳) و ریان و لینچ (۱۹۸۹) و شامل دو شیوه‌ی فرزندپروری خودمختاری (Autonomy) و پذیرش (Acceptance) است. خودمختاری، بیانگر درجه‌ای است که والدین استقلال، اتکا به‌خود و رشد مهارت‌های اجتماعی را تشویق می‌کنند و پذیرش، بیانگر درجه‌ای است که والدین عشق و پذیرش را به کودک منتقل می‌کنند. با وجود این، به‌نظر می‌رسد ادراکی که جوانان از سبک فرزندپروری والدین دارند با نگرش والدین در مورد سبک فرزندپروری خود، متفاوت است. بنابراین استفاده از نتایج خودگزارشی والدین و یا ادراک جوانان می‌تواند نتایج متفاوتی را به بار آورد. برای مثال، اسمتانا (۱۹۹۵) بر این باور است که والدین در گزارش‌های خود بیشتر سبک فرزندپروری را به‌صورت مقتدرانه جلوه می‌دهند؛ در حالی که فرزندان آن‌ها سبک والدین خود را بیشتر به‌صورت مستبدانه ادراک می‌کنند؛ نه مقتدرانه (به نقل از لانگ و همکاران، ۲۰۰۴). ادراک محیط خانواده نیز با تکیه بر نقش خود باید مورد توجه قرار گیرد، یعنی اثر محیط خانواده باید بیشتر به‌نحوی که جوانان ادراک می‌کنند، بررسی شود. تحقیقات نشان می‌دهد که اگر خانواده پایگاه امنی باشد که جوانان بتوانند با اطمینان از آن به سوی دنیای بزرگتر پیش روند تحول هویت تقویت می‌شود. علاوه بر این، جوانانی که احساس می‌کنند به والدین خود وابسته هستند اما در عین حال آزادند تا عقاید خود را بیان کنند، از هویت سالم‌تری برخوردارند (برک، ۲۰۰۱). با توجه به مطالب بالا این مسأله که ادراک از فرزندپروری چه رابطه‌ای با سبک‌های هویت دارد نیز مطرح می‌شود.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه رابطه بین مؤلفه‌های فرزندپروری (پذیرش-خودمختاری) با جهت‌گیری آینده در یافته‌های تجربی مورد تأکید قرار گرفته و نشان داده شده است که فرزندپروری بر اساس ماهیتی که دارد، رشد فردی را تسهیل یا از آن جلوگیری می‌کند (استنبرگ، ۲۰۰۱) و اثرهای عمده‌ای بر چندین جنبه از رشد روان‌شناختی جوانان دارد (استنبرگ، ۲۰۰۳؛ نقل از سگینر، ورمولست و شویر، ۲۰۰۴) این سؤال نیز مطرح می‌شود که چه رابطه‌ای بین جهت‌گیری آینده و ادراک از فرزندپروری وجود دارد؟

۱ تا ۵) نمره گذاری می‌شود. مؤلفه‌ی انگیزشی شامل سه زیرمقیاس ارزش حیطة، انتظار ذهنی تحقق برنامه‌ها و امیدها و نیز کنترل درونی بر تحقق برنامه‌ها و امیدها است. مؤلفه‌ی بازنمایی شناختی شامل دو زیرمقیاس است که جنبه‌های اساسی هر حیطة در افکار مربوط به شغل و شریک زندگی آینده‌ی فرد را نشان می‌دهد و سرانجام مؤلفه‌ی رفتاری شامل دو زیرمقیاس اکتشاف انتخاب‌ها برای آینده و تعهد، یعنی تصمیم‌گیری درباره‌ی یک گزینه‌ی مرجح می‌باشد. روایی همگرایی (Convergent Validity) این سیاهه نیز از طریق همبستگی بین جهت‌گیری آینده‌ی شغلی و مقیاس بررسی پیامدهای آینده (Considering Future Consequences) (Scale) که ابزاری برای اندازه‌گیری افکار آینده است، نشان داده شد. این ضرایب همبستگی در دامنه‌ای بین ۰/۲۳ تا ۰/۳۹ در سطح معناداری حداقل ۰/۰۵ قرار داشت. ضرایب اعتبار برای مؤلفه‌های شناختی، رفتاری و انگیزشی به ترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۸۴ گزارش شده است (سگینر و همکاران، ۲۰۰۴). مقدار این ضریب برای پژوهش حاضر بر اساس ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از مؤلفه‌های رفتاری، انگیزشی و شناختی به ترتیب برابر با ۰/۷۲، ۰/۹۱ و ۰/۸۵ به دست آمد.

۲- سیاهه‌ی پدر-مادر-همتا: از این سیاهه برای اندازه‌گیری خودمختاری در برابر حمایت مفرط (Autonomy Encouragement versus Rejection) (Overprotection) و پذیرش در برابر طرد (Acceptance versus Rejection) استفاده می‌شود. بیست و سه سؤال این سیاهه در یک طیف ۵ درجه‌ای (از کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۵) اندازه‌گیری می‌شود. اولین مؤلفه یعنی "خودمختاری در برابر حمایت مفرط" (۱۳ گویه) شامل ۷ گویه‌ی مثبت که تشویق به خودمختاری را توصیف می‌کند (مانند: مرا تشویق می‌کند تصمیماتم را خودم بگیرم) و ۶ گویه‌ی منفی است که حمایت مفرط را بیان می‌کند (مانند: از من حمایت مفرط می‌کرد). مؤلفه‌ی دوم "پذیرش در برابر طرد" (۱۰ گویه) شامل ۵ گویه‌ی مثبت مربوط به پذیرش (مانند: وقتی ناراحت بودم سعی می‌کرد احساس خوبی در من ایجاد کند) و ۵ گویه‌ی منفی است که بیانگر طرد است (مانند: به ندرت کاری با من انجام می‌داد) (سگینر و همکاران، ۲۰۰۴). ضریب همسانی درونی (Internal Consistency) و بازآزمایی این مطلوب و در دامنه‌ای بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۸ قرار دارد.

از طرف دیگر، رابطه‌ی فرزندپروری و سبک‌های هویت نیز مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال، برزونسکی (۲۰۰۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که عملکرد خانواده و سبک فرزندپروری نقش مهمی در تحول و شکل‌گیری هویت افراد دارد. سبک فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش با کاوش اطلاعات در مسایل هویتی رابطه دارد، سبک فرزندپروری مستبدانه با جهت‌گیری هنجاری و سبک فرزندپروری سهل‌گیر با سبک پردازش هویت مغشوش-اجتنابی در ارتباط است.

روش

پژوهش حاضر از نوع طرح‌های علی است و هدف از آن، کشف روابط علی ممکن بین متغیرها می‌باشد و یک مدل علی برای تبیین جهت‌گیری آینده‌ی دانشجویان پزشکی بر اساس متغیرهای ادراک از فرزندپروری والدین و نقش واسطه‌ای سبک‌های هویت آزمون است و برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر و پی‌بردن به نقش هر یک از سبک‌های هویت در رابطه بین ادراک از فرزندپروری و جهت‌گیری آینده، برای هر سبک هویت یک مدل جداگانه، تدوین و آزمون خواهد شد.

جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع طرح‌های علی و هدف از آن، کشف روابط علی ممکن بین متغیرها است. بدین منظور، ۳۸۶ نفر (۲۰۰ مرد و ۱۸۶ زن) از دانشجویان سال پنجم، ششم و هفتم دانشگاه علوم پزشکی ایران به‌طور تصادفی انتخاب شدند و به سه پرسش‌نامه‌ی سبک‌های هویت برزونسکی، سیاهه‌ی مسیر زندگی آینده و سیاهه‌ی مادر پدر پاسخ دادند. برای آزمون مدل‌ها و فرضیه‌های پژوهش و تعیین روابط علی بین متغیرها از روش تحلیل مسیر استفاده با استفاده از نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل همه‌ی دانشجویان رشته‌ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۹۳ بود. بدین منظور، ۳۸۶ نفر (۲۰۰ مرد و ۱۸۶ زن) از دانشجویان سال پنجم، ششم و هفتم دانشگاه علوم پزشکی ایران به‌طور تصادفی انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

۱- سیاهه‌ی مسیر زندگی آینده:

این سیاهه که برای سنجش سه مؤلفه‌ی جهت‌گیری آینده یعنی انگیزشی، شناختی و رفتاری ساخته شد (سگینر، نرمی، پول و شویر، ۱۹۹۹؛ نقل از سگینر و همکاران، ۲۰۰۴) شامل دو بخش است که هر کدام جهت‌گیری آینده را در یک حیطة یعنی شغل، خانواده و تحصیلات می‌سنجد و بر اساس یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از

اشباع شده، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی PC و شیوه‌های متعامد و متمایل استفاده شد. برای آزمون مدل‌ها و فرضیه‌های پژوهش و تعیین روابط علی بین متغیرها از روش تحلیل مسیر استفاده با استفاده از نرم‌افزار لیزرل (lisrel) استفاده شده است.

نتایج

به منظور بررسی رابطه‌ی علی بین متغیرهای مورد مطالعه و ارائه‌ی مدلی برای تبیین جهت‌گیری آینده از مدل تحلیل مسیر استفاده شد. بر پایه‌ی این مدل می‌توان فرضیه‌های مربوط به روابط علی بین متغیرها را آزمون کرد. برای توسعه و آزمون مدل اصلی مورد مطالعه ضروری بود نسبت به برقراری مفروضه‌های مدل تحلیل مسیر اطمینان حاصل شود که: الف) اندازه‌گیری متغیرها در سطح فاصله‌ای: نمره‌های خام حاصل از آزمون‌ها و مقیاس‌های به‌کاررفته بر اساس سطح اندازه‌گیری فاصله‌ای به‌دست آمده است. ب) کم بودن هم‌خطی چندگانه‌ی متغیرهای مورد مطالعه: بنا بر نظر بری و فلدمن (۱۹۸۵)؛ نقل از هومن، (۱۳۸۴) همبستگی‌های بالاتر از ۰/۸ بین متغیرهای برون‌زا بیانگر هم‌خطی بودن چندگانه است. نتایج حاصل از محاسبه‌ی ضرایب همبستگی بین متغیرهای برون‌زای مورد مطالعه که در جدول (۲) نشان داده شده، بیانگر آن است که مفروضه‌ی کم بودن هم‌خطی چندگانه برای مدل‌های مورد مطالعه‌ی این پژوهش برقرار است.

توصیف داده‌ها

به منظور بررسی ویژگی نمره‌های حاصل از متغیرهای مورد مطالعه، مشخصه‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، بیشینه و کمینه‌ی نمره‌ها محاسبه و در جدول (۱) نشان داده شده است. چنانکه در این جدول دیده می‌شود کمترین میانگین در بین متغیرهای ادراک فرزندپروری متعلق به پذیرش پدر (۳۶/۸) و بیشترین میانگین متعلق به خودمختاری پدر (۴۶/۱) است. در مورد سه سبک هویت نیز بیشترین میانگین (۳۹/۴) متعلق به سبک اطلاعاتی، و کمترین میانگین (۲۷/۶) متعلق به سبک هویتی مغشوش-اجتنابی است. مقادیر چولگی (کجی) متغیرها نشان می‌دهد که همه‌ی ضرایب چولگی منفی و بیانگر آن است که بیشتر نمره‌ها از میانگین بالاتر است. سبک هویتی مغشوش کمترین ضریب چولگی (۰/۰۸-) و جهت‌گیری انگیزشی بیشترین (۰/۸۱-) ضریب چولگی را دارد. ضرایب چولگی همه‌ی متغیرها کمتر از ۲| و بیانگر آن است که توزیع نمره‌ها تقریباً نرمال است.

شواهد روایی سازه نیز نشان داده است که خودگزارشی مادران از پذیرش والدینی قبلی در برابر طرد، همبستگی بالایی ($r=0/70$) با حساسیت کنونی آن‌ها نسبت به کودک دارد. علاوه بر این، خودگزارشی مادران از خودمختاری در برابر حمایت مفرط با حساسیت آن‌ها نسبت به کودک نیز همبستگی بالایی ($r=0/60$) نشان داده است (سگینر و همکاران، ۲۰۰۴).

۳- سبک‌های هویت برزونسکی: مقیاس سبک‌های هویت، اولین بار توسط برزونسکی (۱۹۸۹) ساخته و در سال ۱۹۹۳ تجدید نظر شد. این مقیاس شامل ۴۰ گویه است که ۱۱ گویه به سبک اطلاعاتی، ۱۰ گویه به سبک مغشوش-اجتنابی، ۹ گویه به سبک هویت هنجاری و ۱۰ گویه به تعهد هویت اختصاص دارد. پاسخ‌ها در یک مقیاس ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. برزونسکی (۱۹۹۳) بر اساس تحلیل عامل اکتشافی، ۴ عامل را در مقیاس حاضر شناسایی می‌کند که شامل گویه‌های زیر است: عامل اول (سبک سوم (سبک هویت مغشوش-اجتنابی)؛ و سرانجام عامل چهارم (تعهد هویت). در این پژوهش از سه عامل نخست برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. برزونسکی (۱۹۹۳) در نسخه‌ی تجدید نظرشده‌ی خود ضریب همسانی درونی هر یک از خرده‌مقیاس‌های سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و مغشوش-اجتنابی را به ترتیب برابر با ۰/۶۲، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ گزارش کرده است.

روش گردآوری داده‌ها

پس از اخذ مجوزهای لازم و ورود به دانشگاه علوم پزشکی ایران نمونه‌ای به اندازه‌ی ۳۸۶ نفر (۲۰۰ مرد و ۱۸۶ زن) از دانشجویان سال پنجم، ششم و هفتم دانشگاه علوم پزشکی ایران به‌طور تصادفی انتخاب شدند و به سه پرسش‌نامه‌ی سبک‌های هویت برزونسکی، سیاهه‌ی مسیر زندگی آینده و سیاهه‌ی مادر پدر پاسخ دادند. با آنکه برای پاسخ‌گویی دانشجویان زمان معینی در نظر گرفته نشد، اما پاسخ به سؤالات (شامل هر سه مقیاس) به‌طور متوسط یک ساعت طول کشید.

روش تحلیل داده‌ها

مشخصه‌های آماری مجموعه مواد پرسش‌نامه‌ها با استفاده از روش‌های متداول در آمار توصیفی تعیین شد. ضرایب اعتبار مجموعه‌ی پرسش‌ها در گروه‌های مختلف از طریق ضریب آلفای کرونباخ برآورد شد. برای بررسی روایی و تعیین این مطلب که محتوای پرسش‌نامه از چند عامل

جدول ۱. مشخصه‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	جولگی	کمینه	بیشینه
۱. پذیرش مادر	۳۸/۴	۷/۳	-۰/۳۹	۵۱	۱۵
۲. خودمختاری مادر	۴۲/۵	۷/۵	-۰/۴۹	۵۷	۱۶
۳. پذیرش پدر	۳۷/۸	۷/۴	-۰/۵۴	۵۰	۱۲
۴. خودمختاری پدر	۴۶/۱	۷/۶	-۰/۳۳	۶۵	۱۸
۵. سبک هویت اطلاعاتی	۳۹/۴	۵/۹	-۰/۱۲	۵۲	۱۱
۶. سبک هویت هنجاری	۳۰/۱	۴/۹	-۰/۱۵	۴۴	۱۶
۷. سبک هویت مغشوش-اجتنابی	۲۷/۶	۵/۸	-۰/۰۸	۴۳	۱۲
۸. مؤلفه‌ی انگیزی جهت‌گیری	۷۴/۷	۱۲/۶	-۰/۳۴	۹۶	۳۰
۹. مؤلفه‌ی شناختی جهت‌گیری	۷/۱۷	۱/۶	-۰/۳۵	۱۰	۳
۱۰- مؤلفه‌ی رفتاری جهت‌گیری	۴۵/۳	۷/۷	-۱/۳۲	۵۹	۱۲

ضرایب همبستگی متغیرها

به منظور بررسی مفروضه‌ی هم‌خطی بودن چندگانه و نیز تعیین روابط بین متغیرها، ضرایب همبستگی متقابل بین متغیرهای اندازه‌گیری‌شده، محاسبه و در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی متقابل برای نمره‌های متغیرهای مورد مطالعه

مقیاس	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. پذیرش مادر	-								
۲. خودمختاری مادر	۰/۶۳**	-							
۳. پذیرش پدر	۰/۵۴**	۰/۴۸**	-						
۴. خودمختاری پدر	۰/۵۰**	۰/۵۹**	۰/۷۴**	-					
۵. سبک هویت اطلاعاتی	۰/۳۲**	۰/۳۸**	۰/۲۳**	۰/۲۵**	-				
۶. سبک هویت هنجاری	۰/۳۱**	۰/۱۲*	۰/۱۳*	۰/۲۲**	۰/۴۶**	-			
۷. سبک هویت مغشوش-اجتنابی	-۰/۲۶**	-۰/۱۶*	-۰/۳**	-۰/۲**	-۰/۱۲*	-۰/۰۱	-		
۸. مؤلفه‌ی انگیزی جهت‌گیری	۰/۳۵**	۰/۳۳**	۰/۳۳**	۰/۳۸**	۰/۳۷**	۰/۲۵**	-۰/۱۵*	-	
۹. مؤلفه‌ی شناختی جهت‌گیری	۰/۱۹**	۰/۲۹**	۰/۲۸**	۰/۱۹**	۰/۴۳**	۰/۲۹**	-۰/۱۲*	۰/۲۹**	-
۱۰- مؤلفه‌ی رفتاری جهت‌گیری	۰/۴۹**	۰/۴۹**	۰/۳۹**	۰/۴۳**	۰/۴۸**	۰/۲۶**	-۰/۱۵*	۰/۷۱**	۰/۳۷**

*P<.۰5. **P<.۰/۰۱

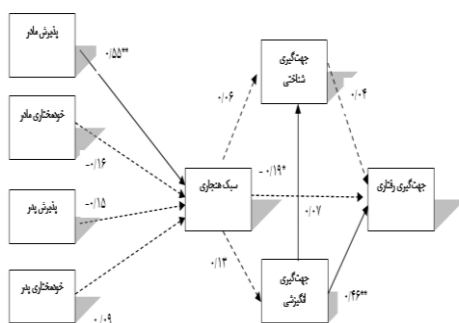
در ادامه، به منظور تبیین جهت‌گیری آینده‌ی جوانان، سه مدل جداگانه بر اساس سه سبک هویتی اطلاعاتی، هنجاری و مغشوش-اجتنابی به‌عنوان متغیر میانجی مورد آزمون قرار گرفت. در این بخش، هر یک از مدل‌ها آزمون و بر پایه‌ی نتایج حاصل تعدیل و با یکدیگر مقایسه خواهند شد. ضرایب استاندارد مسیره‌های که با نقطه‌چین رسم شده است از لحاظ آماری معنادار نیست. چنانکه در شکل (۲) دیده می‌شود از بین ضرایب استاندارد مسیر برآوردشده برای متغیرهای مورد مطالعه، ضرایب استاندارد مسیر بین ادراک فرزندپروری پدر با سبک اطلاعاتی از لحاظ آماری معنادار نیست؛ در حالی‌که این ضرایب برای هر دو مؤلفه‌ی پذیرش (۰/۵۳ و ۰/۵۷) مادر معنادار است. ضرایب مسیر سبک هویت اطلاعاتی به دو مؤلفه‌ی انگیزی (۰/۲۱) و رفتاری (۰/۲۲) جهت‌گیری آینده رابطه‌ی معنادار دارد، اما این رابطه برای مؤلفه‌ی شناختی معنادار به‌دست نیامده است

چنانکه در جدول بالا دیده می‌شود سبک هویتی مغشوش اجتنابی با همه‌ی متغیرهای مورد مطالعه، به غیر از سبک هویت هنجاری، همبستگی منفی و معنادار دارد. جهت‌گیری آینده‌ی جوانان (متغیر وابسته) با سایر متغیرهای مستقل و میانجی رابطه‌ی معنادار دارد. کمترین میزان همبستگی معنادار (۰-۱/۱۲) بین سبک هویتی مغشوش-اجتنابی با سبک هویت اطلاعاتی و بیشترین ضریب همبستگی بین خودمختاری و پذیرش پدر به‌دست آمده است. بین پذیرش و خودمختاری مادر (۰/۶۳) و نیز بین مؤلفه‌های شناختی و رفتاری جهت‌گیری (۰/۷۱) نیز بیشترین همبستگی وجود دارد. افزون بر این، ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل کمتر از ۰/۸ و نشان‌دهنده‌ی آن است که بین متغیرها هم‌خطی چندگانه‌ی ناچیزی وجود دارد و مفروضه‌ی کاربرد مدل تحلیل مسیر برقرار است.

رفتاری (۰/۲۷، ۰/۲۵)، شناختی (۰/۲۱، ۰/۱۰) و انگیزشی (۰/۳۶، ۰/۳۲) معنادار است. علاوه بر این، اثر غیر مستقیم سبک اطلاعاتی نیز نشان می‌دهد که این ضریب برای متغیر جهت‌گیری رفتاری معنادار نیست (۰/۰۱)؛ در حالی که برای متغیر جهت‌گیری انگیزشی (۰/۳۳-) منفی و معنادار است. مقدار مجذور همبستگی چندگانه (R^2) برای مدل مورد مطالعه برای متغیر جهت‌گیری رفتاری برابر با ۰/۱۱ به‌دست آمد که نشان می‌دهد تقریباً ۱۱ درصد واریانس جهت‌گیری رفتاری بر پایه‌ی این مدل تبیین می‌شود. این ضریب برای دو متغیر جهت‌گیری انگیزشی و شناختی به‌ترتیب برابر با ۰/۲۲ و ۰/۰۲ بود که نشان می‌دهد که بیشترین تبیین واریانس برای مدل متعلق به جهت‌گیری انگیزشی است و تنها ۲ درصد جهت‌گیری شناختی از طریق این مدل تبیین می‌شود. علاوه بر این، مقدار تبیین واریانس سبک هویت اطلاعاتی در این مدل برابر با ۰/۱۲ به‌دست آمد.

مدل ۲: تبیین جهت‌گیری آینده بر پایه‌ی سبک هویتی هنجاری: به‌منظور تعیین روابط ساختاری بین متغیرهای مورد مطالعه با جهت‌گیری آینده، مدل دوم به‌گونه‌ای تدوین شد که ادراک فرزندپروری پدر و مادر (پذیرش و خودمختاری) به‌عنوان متغیرهای مستقل و سبک هویت هنجاری به‌عنوان متغیر میانجی تحلیل شوند. نمودار ضرایب استانداردشده‌ی مسیر مربوط به این مدل در شکل (۳) نشان داده شده است.

شکل ۳: نمودار مسیر مدل دوم بر پایه‌ی سبک هویت هنجاری

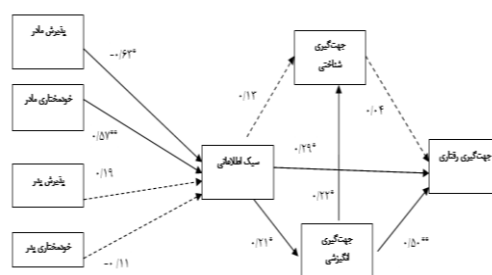


چنانکه در شکل (۳) دیده می‌شود از بین ضرایب استاندارد مسیر برآوردشده برای متغیرهای مورد مطالعه، فقط ضریب استاندارد مسیر بین پذیرش مادر با سبک هنجاری (۰/۵۵) از لحاظ آماری معنادار است و سایر متغیرها دارای ضریب معنادار بر سبک هنجاری نیستند.

بررسی روابط بین مؤلفه‌های جهت‌گیری نیز نشان می‌دهد که انگیزش با هر دو مؤلفه‌ی شناختی (۰/۰۲) و رفتاری (۰/۴۰)، رابطه دارد، اما این ضریب برای رابطه‌ی بین دو مؤلفه‌ی شناختی و رفتاری (۰/۰۲) معنادار نیست.

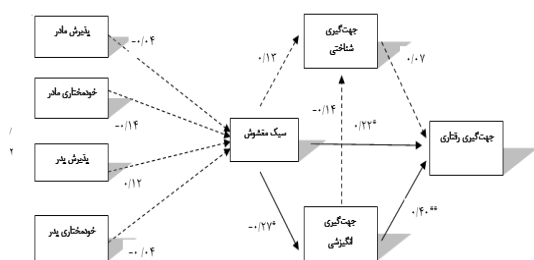
مدل ۱- تبیین جهت‌گیری آینده بر پایه‌ی سبک هویتی اطلاعاتی: به‌منظور تعیین روابط ساختاری بین متغیرهای مورد مطالعه با جهت‌گیری آینده، مدل یکم به‌گونه‌ای تدوین شد که ادراک فرزندپروری پدر و مادر (پذیرش و خودمختاری) به‌عنوان متغیرهای مستقل و سبک هویت اطلاعاتی به‌عنوان متغیر میانجی تحلیل شوند. نمودار ضرایب استانداردشده‌ی مسیر مربوط به این مدل در شکل (۲) نشان داده شده است.

شکل ۲: نمودار مسیر مدل یکم بر پایه‌ی سبک هویت اطلاعاتی



ضرایب استاندارد مسیرهای که با نقطه‌چین رسم شده است از لحاظ آماری معنادار نیست. $P < ۰/۰۵$. $P < ۰/۰۱$. $P < ۰/۰۰۱$ چنانچه در شکل ۲ دیده می‌شود از بین ضرایب استاندارد مسیر برآورده شده با متغیرهای مورد مطالعه، ضرایب استاندارد بین ادراک فرزندپروری پدر با سبک اطلاعاتی از لحاظ آماری معنادار نیست در حالی که این ضرایب برای هر دو مؤلفه‌ی پذیرش (۰/۵۳ و ۰/۵۷) مادر معنادار است. ضرایب مسیر سبک هویت اطلاعاتی به دو مؤلفه انگیزشی (۰/۲۱) و رفتاری (۰/۲۲) جهت‌گیری آینده رابطه معنادار دارد اما این رابطه برای مؤلفه‌ی شناختی معنادار بدست نیامده است. بررسی رابطه‌ی بین مؤلفه‌های جهت‌گیری نیز رفتاری (۰/۴۰) رابطه دارد اما این ضریب برای رابطه بین دو مؤلفه شناختی و رفتاری (۰/۰۲) معنادار نیست. بررسی اثرات غیر مستقیم متغیرهای مستقل و میانجی بر جهت‌گیری آینده نشان می‌دهد که اثر غیر مستقیم پذیرش مادر و خودمختاری پدر بر جهت‌گیری رفتاری (۰/۰۸، ۰/۰۳)، شناختی (۰/۰۲، ۰/۰۱) و انگیزشی (۰/۱۱، ۰/۰۶) معنادار نیست؛ در حالی‌که این مشخصه یعنی اثر غیر مستقیم خودمختاری مادر و پذیرش پدر بر جهت‌گیری

شکل ۴. نمودار مسیر مدل سوم بر پایه‌ی سبک هویت معشوش



چنانکه در شکل (۴) دیده می‌شود هیچ‌کدام از ضرایب استانداردشده‌ی مسیر برای متغیرهای مستقل مورد مطالعه بر سبک هویت معشوش از لحاظ آماری معنادار نیست. به بیان دیگر، متغیرهای ادراک فرزندپروری مادر و پدر نمی‌تواند سبک هویت معشوش را تبیین کند. ضرایب مسیر سبک هویت معشوش بر مؤلفه‌های رفتاری (۰/۱۸-) و شناختی (۰/۲۷-) جهت‌گیری آینده معنادار است. بنابراین این متغیر به‌گونه‌ی مستقیم می‌تواند دو مؤلفه‌ی رفتاری و انگیزشی را تبیین کند، به این معنا که هر چه سبک هویت معشوش باشد جهت‌گیری رفتاری و انگیزشی آینده ضعیف‌تر خواهد بود. بررسی روابط بین مؤلفه‌های جهت‌گیری نیز نشان می‌دهد که در این مدل جهت‌گیری انگیزشی فقط دارای ضریب مسیر معنادار بر مؤلفه‌ی رفتاری (۰/۴۰) است. بررسی اثرات غیر مستقیم متغیرهای مستقل و میانجی بر جهت‌گیری آینده نشان می‌دهد که اثرهای غیر مستقیم هیچ‌کدام از متغیرهای ادراک فرزندپروری بر مؤلفه‌های جهت‌گیری آینده از لحاظ آماری معنادار نیست، اما اثر غیر مستقیم سبک معشوش بر دو مؤلفه‌ی جهت‌گیری متغیرهای مورد مطالعه با جهت‌گیری آینده، مدل سوم به‌گونه‌ای تدوین شد که ادراک فرزندپروری پدر و مادر (پذیرش و خودمختاری) به‌عنوان رفتاری (۰/۱۲-) و شناختی (۰/۱۰-) از لحاظ آماری معنادار است که نشان می‌دهد که این متغیر نقش غیر مستقیم در تبیین این دو مؤلفه‌ی جهت‌گیری از طریق روابط درونی آن‌ها با یکدیگر دارد. مقدار مجذور همبستگی چندگانه (R^2) برای مدل مورد مطالعه برای متغیر جهت‌گیری رفتاری برابر با ۰/۰۱ به‌دست آمد که نشان می‌دهد تقریباً ۱ درصد واریانس جهت‌گیری رفتاری بر پایه‌ی این مدل تبیین می‌شود. این ضریب برای دو متغیر جهت‌گیری انگیزشی و شناختی به ترتیب

چنانکه در شکل (۳) دیده می‌شود ضرایب مسیر سبک هویت هنجاری بر هیچ‌کدام از مؤلفه‌های جهت‌گیری آینده معنادار نیست. بنابراین، این متغیر به‌گونه مستقیم نقشی در تبیین این مؤلفه‌ها ندارد. بررسی روابط بین مؤلفه‌های جهت‌گیری نیز نشان می‌دهد که در این مدل نیز جهت‌گیری انگیزشی دارای ضریب مسیر معنادار بر هر دو مؤلفه شناختی (۰/۱۹-) و رفتاری (۰/۴۶) است. یعنی با مؤلفه شناختی رابطه منفی و با متغیر جهت‌گیری رفتاری رابطه مثبت و معنادار دارد. بررسی اثرات کلی و غیرمستقیم متغیرهای مستقل و میانجی بر جهت‌گیری آینده نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم پذیرش مادر بر هر سه جهت‌گیری رفتاری (۰/۳)، شناختی (۰/۱۱) و انگیزشی (۰/۲۵) و از لحاظ آماری معنادار است. در حالی که برای سایر متغیرهای مستقل این ضریب معنادار به دست نیامد. اما اثر غیرمستقیم سبک هنجاری بر هر سه متغیر جهت‌گیری رفتاری، شناختی و انگیزشی به ترتیب برابر با ۰/۴۶-، ۰/۱۶- و ۰/۳۵- و از لحاظ آماری معنادار است نیز نشان می‌دهد که این متغیر نقش غیر مستقیم بر مؤلفه‌های جهت‌گیری از طریق روابط درونی این متغیرها بر یکدیگر دارد.

مقدار مجذور همبستگی چندگانه (R^2) برای مدل مورد مطالعه جدول (۳) برای متغیر جهت‌گیری رفتاری برابر با ۰/۲۸ به‌دست آمد که نشان می‌دهد تقریباً ۲۸ درصد واریانس جهت‌گیری رفتاری بر پایه‌ی این مدل تبیین می‌شود. این ضریب برای دو متغیر جهت‌گیری انگیزشی و شناختی به ترتیب برابر با ۰/۱۸ و ۰/۰۳ بود که نشان می‌دهد بیشترین تبیین واریانس برای مدل متعلق به جهت‌گیری انگیزشی است و تنها ۲ درصد جهت‌گیری شناختی از طریق این مدل تبیین می‌شود. علاوه بر این، مقدار تبیین واریانس سبک هویت اطلاعاتی در این مدل برابر با ۰/۰۵ به‌دست آمد.

مدل ۳. تبیین جهت‌گیری آینده بر پایه‌ی سبک هویتی معشوش - اجتنابی: به‌منظور تعیین روابط ساختاری بین متغیرهای مورد مطالعه با جهت‌گیری آینده، مدل سوم به گونه‌ای تدوین شد که ادراک فرزندپروری پدر و مادر (پذیرش و خودمختاری) به عنوان متغیرهای مستقل و سبک هویت معشوش - اجتنابی به عنوان متغیر میانجی تحلیل شوند. نمودار و ضرایب استانداردشده مسیر مربوط به این مدل در شکل (۴) نشان داده شده است.

بحث و نتیجه گیری

همان طور که نتایج نشان می دهد ادراک از سبک فرزندپروری مادر و پدر نتایج متفاوتی به دنبال دارد. ادراک از فرزندپروری پدر (خودمختاری و پذیرش) نمی تواند اثری بر سبک های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و مغشوش-اجتنابی) داشته باشد. در جوامع سنتی، پدر عهده دار نقش تربیت (خودمختاری) و مادر نیز دارای نقش پرورش (گرمی یا پذیرش) بوده است. با توجه به وضعیت شغلی پدران که بیشتر وقت خود را در خارج از منزل می گذرانند، ملاحظه می شود که سبک آنان تأثیر کمتری بر جهت گیری آینده و سبک هویت فرزندان دارند. از میان ادراکات از سبک های فرزندپروری تنها ادراک از سبک های مادر (خودمختاری و پذیرش) می تواند پیش بینی کننده ی سبک هویت (اطلاعاتی) و مؤلفه های رفتاری جهت گیری آینده باشد. خودمختاری به معنای دادن استقلال به فرزند و فراهم آوردن شرایط مشارکت در تصمیم گیری است. در پذیرش هم والد، گرمی و محبت خود را نسبت به فرزند ابراز می کند. بر اساس یافته های حاصل از پژوهش این دو بعد، با سبک هویت اطلاعاتی رابطه ی معنادار دارند؛ یا به عبارت دیگر، جوانانی که مادر آنان از سبک فرزندپروری خودمختاری بیشتر و پذیرش کمتر استفاده می کنند، بیشتر از سبک هویت اطلاعاتی استفاده می کنند. در تبیین این یافته می توان گفت مشارکت جوان در تصمیم گیری، او را به جستجوگری برای یافتن گزینه های مناسب هدایت می کند. افراد با سبک هویت اطلاعاتی به طور فعال، اطلاعات مربوط به خود را ارزیابی و جستجو می کنند و نسبت به تجارب جدید گشوده هستند (برزونسکی، ۲۰۰۴). با توجه به ویژگی های سبک هویت اطلاعاتی، افرادی که از این سبک پردازش هویت استفاده می کنند نسبت به تجارب جدید گشوده هستند. این افراد دارای اهداف شغلی و تحصیلی (جهت گیری آینده ی تحصیلی) روشن و مشخص هستند (برزونسکی و دیگران، ۱۹۹۹؛ برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰). بنابراین بدیهی است که این افراد دارای جهت گیری آینده نیز باشند. بر اساس یافته ها خودمختاری مادر از طریق سبک هویت اطلاعاتی با جهت گیری رفتاری آینده، رابطه دارد. به عبارت دیگر، مادران با سبک خودمختاری که سبک هویت اطلاعاتی را در فرزند پرورش می دهند بر جهت گیری آینده ی رفتاری یعنی درگیر شدن جوان در کاوشگری و تعهد نیز اثر می گذارند.

برابر با ۰/۰۴ و ۰/۰۲ بود که نشان می دهد که این مدل نمی تواند واریانس مؤلفه های جهت گیری آینده را تبیین کند. علاوه بر این، مقدار تبیین واریانس سبک هویت مغشوش در این مدل برابر با ۰/۰۶ به دست آمد. نتایج شاخص های برازندگی سه مدل در جدول ۴ نشان داده شده است. برای بررسی برازش مدل از شاخص های متعدد مجذور کای، نسبت مجذور کای به درجه ی آزادی نیز که بر اساس ملاک های پیشنهادی بایرن (۱۹۸۹) و بنتلر (۱۹۹۳) که مقدار مناسب آن کمتر از ۲ است. ریشه ی دوم واریانس خطای تقریب (RMSEA)، و سه شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص برازندگی تعدیل یافته (AGFI) استفاده شد.

جدول ۳. شاخص های برازندگی جهت گیری آینده بر پایه ی هر یک از سبک های هویت اطلاعاتی هنجاری و مغشوش-اجتنابی

مدل	χ^2	df	df	P	GFI	AGFI	CFI	RMSEA
اطلاعاتی	۴۷/۹	۱۱	۴/۴۳	۰/۰۰۰۱	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۱	۰/۰۹
هنجاری	۱۶/۹۴	۱۰	۱/۶۷	۰/۰۰۱	۰/۹۹	۰/۹۶	۰/۹۹	۰/۰۵
مغشوش	۱۲۸/۶	۱۲	۱۰/۷	۰/۰۰۰۱	۰/۹۲	۰/۷۷	۰/۹۱	۰/۱۶

نتایج شاخص های برازندگی جدول (۳) نشان می دهد که از بین سه مدل مورد مطالعه، مدل دوم که در آن سبک هویت هنجاری به عنوان متغیر میانجی قرار گرفت از برازش خوبی با داده ها برخوردار است. شاخص مجذور کای (۱۶/۹۴) از لحاظ آماری غیر معنادار ($P=۰/۰۸$) و نسبت آن به درجه ی آزادی نیز (۱/۶۷) مطابق با ملاک های پیشنهادی است. ریشه ی دوم واریانس خطای تقریب (RMSEA) نیز برابر با ۰/۰۵ و حد بالای آن بسیار کمتر از ۰/۰۵ است و نشان می دهد که درجه ی تقریب مدل بسیار بالا است. هر سه شاخص برازندگی AGFI، CFI، GFI، نیز به ترتیب برابر با ۰/۹۷، ۰/۹۶ و ۰/۹۱ و بسیار قابل ملاحظه است و نشان می دهد که داده ها با مدل، برازش بسیار خوبی دارد. با آنکه در مدل دوم (سبک اطلاعاتی) و سوم (سبک مغشوش) شاخص های برازندگی GFI ، CFI بسیار قابل ملاحظه است، اما مقادیر شاخص به ترتیب برابر با ۰/۰۹ و ۰/۱۶ است که نشان می دهد خطای مدل زیاد و درجه ی تقریب آن در جامعه کم است. مقادیر مجذور کای هر دو مدل نیز که به ترتیب برابر با ۴۷/۹ و ۱۲۸/۶ به دست آمده، از لحاظ آماری معنادار و نسبت آن ها به درجه ی آزادی از ملاک های تعیین شده بیشتر است. به طور کلی، این دو مدل با داده برازش خوبی ندارد.

و مؤلفه‌ی رفتاری آن رابطه‌ی مستقیم و منفی دارد. می‌توان گفت که تصاویر آینده برای جوان با سبک هویت مغشوش-اجتنابی بسیار مبهم است. رابطه‌ی منفی آن با مؤلفه‌ی رفتاری نشان می‌دهد که جوان با این سبک نه تنها به دنبال اطلاعات در مورد خود نیست؛ بلکه با مؤلفه‌ی انگیزشی جهت‌گیری آینده نیز رابطه‌ی منفی دارد. به عبارت دیگر، این افراد فاقد ارزش‌گذاری و انتظار پیامد موفقیت‌آمیز برای آینده هستند. سبک هویت اطلاعاتی تنها می‌تواند نقش واسطه میان سبک فرزندپروری مادر و مؤلفه‌ی رفتاری جهت‌گیری آینده ایفا کند. بنابراین مؤلفه‌های انگیزشی و شناختی تحت تأثیر عواملی دیگر (رسانه، مدرسه، عوامل سیاسی و فرهنگی) قرار دارد.

References

- Lami, E 2006, *Relationship between marital compatibility , parenting styles of parents and general health*, MA thesis, Department of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran. [in Persian]
- Bentler, P 1989, *EQS: Structural equations program manual*, BMDP Statistical Software Inc, Los Angeles, CA.
- Berzonsky, M.D 1992, Identity styles :coping strategies, *Journal of Personality*, Vol. 60, No.4, Pp.771-788.
- Berzonsky, M.D 1993, A constructivist view of identity development: People as post positivist self-theorists, In J. Kroger(Ed.), *Discussions on ego identity* (Pp. 169–203), Hillsdale, NJ, Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Berzonsky, M.D 2003, Identity style and well-being: Does commitment matter?, *Identity: An International Journal of Theory and Research*, Vol.3, No.2, Pp.131-142.
- Berzonsky, M.D 2004, Identity style, parental authority, and identity commitment, *Journal of Youth and Adolescence*, Vol.33, NO,3, Pp. 213-220.
- Berzonsky, M.D 2005, Ego identity: A personal standpoint in a postmodern word, *Identity: An International Journal of Theory and Research*, Vol. 5, No.2, Pp.125-136.
- از طرف دیگر، اثر پذیرش مادر بر سبک هویت اطلاعاتی، منفی و معنادار است. به عبارت دیگر، بعد پذیرش که همان گرمی و محبت است نمی‌تواند پرورش‌دهنده‌ی سبک هویت اطلاعاتی باشد. بر اساس یافته‌ها اثر پذیرش بر مؤلفه‌ی رفتاری جهت‌گیری نیز منفی است. شاید از نظر نوجوان، گرمی و محبت مادر باید جای خود را به "اهمیت به خودمختاری" بدهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که سبک هویت اطلاعاتی با مؤلفه‌ی انگیزشی جهت‌گیری آینده، رابطه‌ی معنادار دارد و از طریق آن با مؤلفه‌ی رفتاری جهت‌گیری آینده، رابطه دارد. همان‌طور که قبلاً گفته شد مؤلفه‌ی انگیزشی جهت‌گیری آینده با انتظار پیامدهای موفقیت‌آمیز و ارزشی که فرد برای آینده قائل است، ارتباط دارد. رویکرد افراد با سبک هویت اطلاعاتی، موفقیت است. یافته‌ی حجازی و همکاران (۲۰۰۹) به خوبی داده است که سبک هویت اطلاعاتی با کارآمدی، رابطه‌ی معنادار دارد. اگر کارآمدی را نیز انتظار پیشرفت بدانیم بنابراین رابطه‌ی مستقیم بین سبک هویت اطلاعاتی و مؤلفه‌ی انگیزشی جهت‌گیری آینده، طبیعی به نظر می‌رسد. بر اساس یافته‌ها پذیرش مادر با سبک هویت هنجاری، رابطه‌ی معنادار دارد. به نظر می‌رسد که جوانان با سبک هویت هنجاری بیشتر در خانواده‌هایی قرار دارند که در آن مادر دارای گرمی و محبت است و احتمالاً همین محبت است که جوان را نسبت به پذیرش دیدگاه‌های وی ملزم می‌سازد. جوانان با سبک هویت هنجاری بسیار وابسته به افراد مهم هستند و به همین دلیل جهت‌گیری آینده‌ی آنان وابسته به همین افراد مهم است. افرادی که از سبک هنجاری استفاده می‌کنند، دارای اهداف آموزشی و تحصیلی مشخص، از پیش تعیین‌شده و انعطاف‌ناپذیری هستند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰). تصمیم‌گیری در مورد اهداف آموزشی و تحصیلی از پیش تعیین‌شده نیازمند داشتن تصاویر و افکار در مورد آینده نمی‌باشد، چون افراد دارای این سبک، اهدافی را برمی‌گزینند که هم‌نوا با جامعه (مربوط به زمان حال) باشد و در واقع، مسیر زندگی آن‌ها بدون آگاهی تعیین می‌شود. افرادی نیز که از سبک مغشوش جهت پردازش اطلاعات استفاده می‌کنند فاقد اهداف تحصیلی و شغلی ثابت و روشنی هستند و در نتیجه فاقد هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آینده می‌باشند (برزونسکی، ۲۰۰۴). بر اساس یافته‌ها، ادراک از سبک‌های فرزندپروری هیچ تأثیری بر سبک هویت مغشوش-اجتنابی ندارد، ولی این سبک با مؤلفه‌ی انگیزشی جهت‌گیری آینده

- Gall, M.D, Borg, W.R, Gall, J.P 2008, *Educational research an introduction*, translators, Nasr et al, Tehran: Samt publication. [in Persian]
- Grolink, W, Ryan, R 1989, Parent Styles associated with self regulation and competence in school, *Journal of Educational Psychology*, Vol.81, No.2, Pp.143-154.
- Grotevant, H.D 1987, Toward a process model of identity formation, *Journal of Adolescent Research*, Vol.2, No.3, Pp.203-222.
- Harter, S 1999, *The construction of the self: A developmental perspective*, New York: Guilford.
- Hejazi, E, Shahraray, M, Farsinejad, M, et al 2009, Identity style and academic achievement: mediating role of academic self-efficacy, *Social Psychology of Education*, Vol.12, No.1, Pp.123-135. [in Persian]
- Higgins, E.T 1991, Development of self-regulatory and self-evaluative processes: Cost, benefits, and tradeoffs, In MR. Gunnar & LA. Sroufe (Eds.), *Self processes and development: The Minnesota Symposia on Child Development*, Vol. 23, No.2, Pp.125-166.
- Hooman, H.A 2005, *Structural Equation Modeling with LISREL application*, Tehran: Samt publication. [in Persian]
- Hoseiny, SH, Mosavi, M.H 2002, Comparison between mental health statues of medical and paramedical Students, *Journal of Gorgan university medical science*, Vol.6, No.13, Pp. 101-107.
- Leung, C.Y, MCBride-chang, C, Lia, B.P 2004, Relation among maternal parenting styles, academic competence, and life satisfaction in Chinese Early adolescent, *Journal of Early adolescence*, Vol.25, No.2, Pp.11-14. [in Persian]
- Marcia, J.E 1980, Identity in adolescence, In: J. Adelson (Ed.), *Handbook of adolescent psychology*, New York: John Wiley, Pp. 159-187.
- Berzonsky, M.D, Nurmi, J.E, Tammi, K 1999, Identity processing orientation and cognitive and behavioral strategies: Similarities and differences across different context, *European Journal of Personality*, Vol. 13, No.2, Pp.105-120.
- Berzonsky, M.D, Kuk, L 2000, Identity status, identity processing style, and the transition to university, *Journal of Adolescent Research*, Vol.15, No.1, Pp.81-98.
- Berzosky, M.D, Kuk, L 2005, Identity style, Psychological Maturity, and academic performance, *Personality and Individual Differences*, Vol. 39, No.1, Pp.235-147.
- Borjali lou, S 2007, *Critical thinking, identity styles and identity commitment: predicting Educational self-efficacy of high school students*, MA thesis: Department of Psychology and Educational Sciences, Tehran University. [in Persian]
- Bosma, H.A 2001, Determinants and mechanisms in ego identity development: A review and synthesis, *Developmental Review*, Vol. 21, No.1, Pp.39-66.
- Brown, C 1997, "Sex Differences in the Career Development of Urban African-American Adolescents, *Journal of Career Development*, Vol. 23, No.4, Pp.295-304.
- Burke Laura, O 2001, *Developmental Psychology*, Translation, Mohammadi S, Tehran Arasbaran publication, 2002. [in Persian]
- Dreher, E, Oerter, R 1986, Children's and adolescents' conceptions of adulthood: The changing view of a crucial developmental task, In RK. Silbereisen, K. Eyferth, G. Rudinger(Eds.), *Development as action in context*, (Pp.109-120). Berlin: Springer.
- Eccles, J.S, Wigfield, A 2002, Motivation, beliefs, and goals, *Annual Review of Psychology*, Vol. 53, No.1, Pp.109-132.
- Epstein, S 1983, Scoring and interpretation of the mother-father-peer scale, Amherst, MA: University of Massachusetts.

- Roeser, R.W, Peck, S.C, Nasir, N.S 2006, Self and identity processes in school motivation and achievement, In PA. Alexander, PH. Winne (Eds.), *Handbook of educational psychology*, 2nd ed, Pp. 391-424, Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Ryan, R.M, Lynch, J.H 1989, Emotional autonomy vs, detachment: Revisiting the vicissitudes of adolescence and young adulthood, *Child Development*, Vol. 60, No.2, Pp.340-356.
- Seginer, R 2000, Defensive pessimism and optimism correlates of adolescent future orientation: A domain specific analysis, *Journal of Adolescent Research*, Vol. 15, No.3, Pp.307-326.
- Seginer, R, Vermulst, A, Shoyer, S 2004, The indirect link between perceived adolescent future orientation: A multiple-step analysis, *International Journal of Behavioral Development*, Vol. 28, No.4, Pp.365-378.
- Seginer, R 2009, *Future orientation: Developmental and ecological perspectives*, New York: Springer.
- Steinberg, L 2001, We know some things: Parent-adolescent relations in retrospect and prospect, *Journal of Research on Adolescence*, Vol. 11, No.1, Pp.1-19.
- Strage, A, Brandt, T.S 1999, Authoritative parenting and college student academic adjustment and success, *Journal of Educational Psychology*, Vol. 91, No.1, Pp.146-156.
- Trommsdorff, G 1983, Future orientation and socialization, *International Journal of Psychology*, Vol. 18, No.1-4, Pp.381-406.
- Marcia, J.E 1993, The status of the statuses: Research review, In: JE. Marcia, AS. Waterman, DR. Matteson, et al (Eds.), *Ego identity: A handbook for psychosocial research*, New York: Springer-Verlag, Pp. 22-41.
- Marcia, J.E, Waterman, A.S 1993, *Ego identity: A handbook for psychosocial research*, New York: Springer-Verlag.
- Moshman, D 1998, Identity as a theory of on self, *The Genetic Epistemologist*, Vol. 26, No.2, Pp.42-57.
- Nurmi, J.E 1983, Age, sex, social class, and quality of family interaction as determinants of adolescents' future orientation: A developmental task interpretation, *Adolescence*, Vol. 22, No.2, Pp.977-991.
- Nurmi, J.E 1991, How do adolescents see their future?, A review of the development of future orientation and planning, *Developmental Review*, Vol.11, No.1, Pp.1-59.
- Nurmi, J.E, Poole, M.E, Seigneur, R 1995, Tracks and transitions – A comparison of adolescent future-oriented goals, explorations, and commitments in Australia, Israel, and Finland, *International Journal of Psychology*, Vol.30, No.3, Pp.335-375.
- Nuttin, J, Lens, W 1985, *Future time perspective and motivation: Theory and research method*, Location: Erlbaum
- Raynor, J.O, Entin, E.E 1983, The function of future orientation as a determinant of human behavior in a step-path theory of action, *International Journal of Psychology*, Vol. 18, No.1-4, Pp.463-487.

Medical Students' Perception of the Future Orientation of Considering Parent's Parenting Styles and Children' Identity Styles

Mansoureh Rabbani zadeh^{1,*}

¹: MA of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

Abstract: Future is one of the primary concerns combined with adults' goals, hopes and fears. Nowadays with Industrialization of societies, young adults' marriage and vocational future is postponed. Hence, the purpose of the present study was to examine indirect effect of perceived parenting styles on future orientation among medical students with mediating role of identity styles. This study was a causal model with the aim of discovering causal relationship between variables. Then, 386 sample (200 male , 186 female) of 5th to 7th-year students of Iran Medical Sciences University were selected randomly; they fill in Berzunskey Identity Styles questionnaire, Prospective Life course inventory and Father-Mother-Peer Inventory. In order to testing research models and hypothesis and determining causal relationships between variables, path analysis method was used applying Lisrel software. Furthermore, statistical analysis showed significant relationship between mediating role of informative identity style in the effect of mother's autonomy and father's acceptance on behavioral (0/27,0/25), cognitive (0/21,0/10), motivational (0/36,0/0/32) components of future orientation. Moreover, the result showed that just perceived parenting style of mother (autonomy, acceptance) between perceptions of parenting styles can predict informative identity style and behavioral component of future orientation. These two dimensions have strong relationship with informative identity style; in other words, the young adult whose mother has more autonomy and less acceptance parenting style can use more informative style. The explanation of this finding indicates that participating in decision making would direct young adults to appropriate choices.

Keywords : Future Orientation, Parenting Styles, Identity Styles, Medical Sciences Students;

***Corresponding author:** MA of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Tehran University, Tehran, Iran

Email: rabbani.m1983@yahoo.com